عکس: امین ارجمند | پاسارگاد

معاون آموزش ابتدایی اداره آموزش و پرورش:

۶ هزار کلاس اولی در سیرجان

ذهنیت والدین هنوز روی نمره است

سیستم مدارس سیستم پادگانی است یعنی وقتی زنگ می‌خورد مثل این است که بچه‌ها از قفس آزاد می‌شوند

هدی رضوانی

سال تحصیلی جدید از راه رسیده و بیش از ۳۵ هزار دانش‌آموز ابتدایی به مدرسه می‌روند. این در حالی است که هنوز بخش عمده‌ای از مشکلات آموزشی در مقطع ابتدایی حل نشده باقی مانده. کلاس‌های متراکم، سیستم آموزشی تئوری، رقابت بر سر قبولی در مدارس خاص و... که هر کدام به تنهایی می‌تواند دنیای کودکانه بچه‌های مقطع ابتدایی را به چالش بکشد. محمود قاسمیان معاون آموزش ابتدایی اداره آموزش و پرورش در گفتگویی با پاسارگاد از برخی چالش‌های موجود در مقطع ابتدایی صحبت کرده است.

سال تحصیلی جدید آغاز شده، چه تعداد دانش‌آموز به مدارس ابتدایی می‌روند و چه تعداد از آن‌ها کلاس اولی هستند؟

پیش‌بینی ما این است که ۳۵ هزار دانش‌آموز ابتدایی امسال به مدارس وارد شوند که از این تعداد حدود شش هزار نفر پایه اول و حدود ۶ هزار نفر نیز نوآموزان پیش‌دبستانی خواهند بود. دو گروه دانش‌آموز اتباع داشتیم. یک گروه که گذرنامه و کارت تردد داشتند که آمار آن‌ها مشخص است. یک گروه هم که کارت تردد ندارند اما با توجه به بیانات مقام معظم رهبری با ارایه نامه حمایت تحصیلی ثبت‌نام می‌شوند. بنابراین پیش‌بینی می‌کنیم با احتساب دانش‌آموزان اتباع این آمار به ۶۵۰۰ نفر برسد.

استاندارد کلاس‌های درس چند نفر است؟

دو نمونه استاندارد می‌توان تعریف کرد. یکی استاندارد واقعی کلاس درس است که در آن بحث کیفیت استاندارد مطرح است و مسلماً با این محتوا حدود ۲۵ الی ۲۶ نفر دانش‌آموز را پذیرش می‌کند یکی هم استانداردی است که وزارتخانه به ما ابلاغ کرده و در دور اول ۳۱ نفر و در دور دوم ۳۴ نفر دانش‌آموز برای آن تعریف شده. اما با توجه به تراکمی که هر شهرستان دارد و وضعیت نیروی انسانی آن، تا حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد از سقف مجاز هم می‌توان ظرفیت کلاس را افزایش داد. به ندرت کلاس‌هایی را داشتیم که ظرفیت آن‌ها ۴۰ نفر بوده که آن هم به دلیل تقاضای خود والدین است. بعضی مدارس برند هستند و افراد حاضرند کلاس ۴۰ نفره باشد اما فرزندشان حتما در همین مدرسه ثبت‌نام شود. برخی مدارس دولتی هم همین‌طور هستند که حتی اگر ما کلاس ۴۵ نفر هم تشکیل بدهیم باز هم والدین حاضرند فرزندشان را ثبت نام کنند. در بعضی مناطق شهری هم به نسبت تراکم جمعیت تعداد مدارس کم است. مثلا در منطقه ابن‌سینا یک مدرسه دولتی داریم که سال گذشته کلاس ۳۹ نفر هم تشکیل شد چون مدرسه دیگری در آن حوالی نیست و مجبوریم این دانش‌آموزان را پوشش دهیم. با این حال سعی کردیم در سیرجان تراکمی را که وزارتخانه ابلاغ کرده رعایت کنیم، مگر در موارد استثنایی که ناچاریم.

نقش مقطع ابتدایی در تحصیل دانش‌آموز چقدر مهم است؟

اگر در تمامی اسناد بالادستی آموزش و پرورش هم بررسی کنید و کتب علمی را مطالعه کنید همه تاکید کردند که مهمترین دوره آموزشی برای بچه‌ها دوره پیش‌دبستانی است، هم در بحث شکل‌گیری شخصیت و هویت و هم در حوزه مفاهیم پایه و یادگیری و به دنبال آن هم دوره دبستان از اهمیت بالاتری برخوردار است. حتی سیاست‌گذاری‌های سند تحول هم بر اهمیت دوره ابتدایی تاکید می‌کند و به معلمان دوره ابتدایی هم در این سند بیشتر از معلمان دیگر مقاطع اهمیت داده شده است. اهمیت این دوره مشخص است اما خانواده‌ها فکر می‌کنند در متوسطه اول که بحث انتخاب رشته بچه‌ها پیش می‌آید (پایه نهم) باید حساسیت به خرج دهند به ویژه برای دانشگاه و بازار کار. متوسطه دوم هم بحث کنکور است و آن را جدی می‌گیرند. یک گروه از خانواده‌ها هم به دوره ابتدایی اهمیت می‌دهند به خاطر قبولی فرزندشان در مدارس تیزهوشان و سمپاد که البته اخیرا کمرنگ‌تر شده. در حالت کلی دوره ابتدایی بسیار با اهمیت است و اگر کم‌توجهی شود دانش‌آموز از پایه ضعیف می‌شود و تا انتهای تحصیلاتش این ضعف را با خود به همراه خواهد داشت.

مشکلی که اخیرا با آن روبه‌رو هستیم دلزدگی دانش‌آموزان است به طوری که این روزها به بچه‌ها می‌گوییم مدارس در حال بازگشایی است، چندان خوشحال نمی‌شوند. علت این دلزدگی چیست؟

عامل بزرگ و مهمی را برای این دلزدگی می‌توان عنوان کرد. یکی بحث فضاها، محتوا و سیستم آموزشی است که اشکالاتی دارد به ویژه در روش تدریس، چیدمان کلاس‌ها، فضاهای فیزیکی و... که فاقد جذابیت هستند. اگر مقایسه کنیم، فضاهای فیزیکی مدارس فعلی نسبت به سال‌های قبل تغییر چندانی نداشتند. روش معلم‌ها هم کمی به‌روز شده اما هنوز فاصله داریم با روشی که برای بچه‌ها جذاب باشد. مثلا بعضی از مدارس ما روزهای پنجشنبه کلاس فوق‌العاده دارند. دانش‌آموز در نوع پوشش و آوردن کیف آزاد است. بازی و قصه‌گویی دارند همراه با مفهوم آموزشی. این برای بچه ها جذاب است و معمولا استقبال می‌کنند چون از فضای بسته مدرسه خارج می شوند. در کتاب دکتر کریمی خواندم که گفته بود سیستم مدارس ما سیستم پادگانی است. یعنی وقتی زنگ می‌خورد مثل این است که بچه‌ها از قفس آزاد می‌شوند و همه خوشحالند که به تعطیلی می‌رسند. علت دیگر هم این است که خارج از فضای مدرسه برای بچه ها جذابیت‌های فراوانی وجود دارد نسبت به دهه‌های قبل. فضای مجازی، تبلت و گوشی، سرگرمی و... به همین دلیل بچه‌ها خیلی رغبت نمی‌کنند که به مدرسه بیایند. علاقه بین بچه‌ها کمتر شده خصوصاً وقتی بازار کار را می‌بینند و بعد از تحصیل در دانشگاه انتظار شغل خوب و به ویژه دولتی دارند و این امکان پیش نمی‌آید این بی‌انگیزگی از همان دوره ابتدایی در بچه‌ها شکل می‌گیرد.

در سوال قبل اشاره کردید بخشی از این دلزدگی به سیستم آموزشی برمی‌گردد. برای حذف سیستم آموزشی تکلیف‌محور و مبتنی بر آموزش صرف چه راهکاری ارایه شده؟

سه برنامه در سال‌های اخیر در این زمینه تعریف شده یکی ورود آزمون‌ها و کتب کمک‌درسی و کلاس‌های تقویتی برای تیزهوشان است که از سوی وزارتخانه ممنوع شده و تاکید بر آن است که محتوای اضافه به بچه‌ها آموزش داده نشود. محتوای کتب درسی کافی است. متاسفانه والدین اصرار می‌کنند و فکر می‌کنند معلم و مدرسه خوب آن چیزی است که کتاب کمک‌درسی بیشتری معرفی کنند یا آزمون روزانه داشته باشند. خیلی از والدین دنبال این هستند که تکالیف رنگی چاپ شده مدرسه از تهران گرفته و به فرزندان‌شان بدهند. در صورتی که تکلیف خودش یک طراحی آموزشی دارد. معلم باید با توجه به نیاز کلاس خودش تکلیف بدهد به دانش‌آموز. برنامه‌ای که سال قبل بود و امسال وزارتخانه به جد بر آن تاکید دارد، برنامه تکالیف مهارت‌محور است یعنی تکلیف سنتی و رونویسی کنار گذاشته شود و تکلیف مهارتی ارایه شود. با توجه به چیزی که بچه‌ها در مدرسه آموختند و چیزی که در محیط عادی‌شان تجربه می‌کنند تکلیف بنویسند. مثلا اگر امروز دانش‌آموز مفهوم جرم را در مدرسه یاد گرفته در منزل چند تا از وسایل خانه را با ترازو اندازه بگیرد و جرم آن‌ها را بنویسد. عملاً هم با این موضوع درگیر شود و هم تکلیف رونویسی نداشته باشد. این مهارت‌محوری در دوره اول اجرا می‌شود. برای دوره دوم برنامه ویژه مدارس با عنوان «یوم» پیش‌بینی شده که دو ساعت در هفته کلاس در اختیار معلم باشد و کاری به محتوای رسمی آموزش و پرورش نداشته باشد و تنوع در برنامه درسی ایجاد کند. بازدید، گردش علمی، قصه‌گویی و... در این دو ساعت پیشنهاد شده است. همچنین برای رفع این تکالیف تکراری برای معلمان هم دوره‌های آموزشی زیادی برگزار می‌شود که در آن انواع تکلیف، نحوه تکلیف دادن به دانش‌آموز و... شرح داده می‌شود. ضمنا ارزشیابی توصیفی هم به این کم شدن تکالیف کمک می‌کند چون این ارزشیابی یعنی ارزیابی در طول دوره تحصیلی و بازخوردی که معلم روی برگه بچه‌ها می‌دهد و کمک می‌کند کمی از روال یکنواخت و سنتی بیرون بیاییم.

به نظر می‌رسد هنوز نگرش معلمان در خصوص تکلیف شب تغییر نکرده است؟

هر تغییری زمان می‌برد. اینکه بگویند تکالیف مهارت‌محور را با توجه به دستور وزارتخانه اجرا می‌کنیم و هیچ معلمی دیگر سراغ تکلیف سنتی نمی‌رود این شدنی نیست. به هر حال یک سری از معلم‌ها نگرش سنتی دارند و سال‌ها این مدلی کار کرده‌اند. تغییر، تدریجی صورت می‌گیرد. سال‌ها قبل روش تکلیف دهی بر این روند بوده اما دو مشکل در این زمینه وجود دارد. تکالیف مهارت‌محور را باید در کلاس‌های زیر ۲۶ نفر اجرا کرد. یعنی در کلاس‌های شلوغ معلم فرصت نمی‌کند تمرین دانش‌آموز را به صورت مجزا چک کند و نظر بدهد. مشکل دیگر هم این که والدین متاسفانه توجیه نیستند. چندین مورد تماس داشتم سال گذشته که از تکالیف مهارت‌محور معلم شاکی بودند. مادری می‌گفت معلم به جای املا به فرزند من گفته برو داخل کابینت آشپزخانه را ببین و دو وسیله که با حرف «ص» شروع می‌شود را بنویس. مثلا در ریاضی جمع فرایندی داریم و والدین به صورت سنتی آموزش دیده‌اند، با این کتاب‌ها هماهنگ نیستند. هنوز دید سنتی گروهی از ما این است که هر معلمی بیشتر تکلیف بدهد بهتر است. یک دلیلش این است که بچه‌ها در خانه سرگرم هستند و کاری به ما ندارند. دلیل دیگر هم این که فکر می‌کنیم هر چه تکلیف بیشتر باشد یادگیری بیشتر اتفاق می‌افتد که این‌طور نیست

طرح کیف در مدرسه به کجا رسید؟ ظاهرا فقط در چند مدرسه اجرا می‌شود؟

ماهیت طرح اولیه کیف در مدرسه این بود که این کتاب‌ها و تکالیف زیاد می‌شود، زمانی بچه‌ها بیشتر در مدرسه بمانند و تکالیف را انجام دهند. اما این طرح دو مشکل دارد. اول اینکه نمی‌توان کار را در مدرسه تمام شده دانست چون بحث نظارت و بازخورد والدین هم مطرح است. مورد دیگر اینکه در ابتدایی ساعت آموزشی طوری است که بچه ها دیگر کشش ندارند. دوره‌های قبل‌تر بچه‌ها دو شیفت صبح و عصر به مدرسه می‌رفتند و خستگی کمتری ایجاد می‌شد اما الان اگر طرح کیف در مدرسه اجرا شود باید تا عصر در مدرسه بمانند. دو شیفته کردن مدارس هم در اختیار ما نیست و باید از سوی وزارتخانه انجام شود. خانواده‌ها هم مقاومت می‌کنند. مشکل سرویس رفت و برگشت دارند. بسیاری از والدین شاغل هستند و نمی‌توانند بچه‌ها را در دو شیفت به مدرسه بیاورند و همین دلیل طرح کیف در مدرسه با چالش‌هایی مواجه است ولی بعضی مدارس به ویژه مدارس غیردولتی آن را انجام می‌دهند

به نظرتان این طرح می‌تواند موثر باشد؟

زیاد نتوانست موثر باشد به این شکلی که الان اجرا می‌شود و بچه‌ها باید بیشتر در مدرسه بمانند و خانواده‌ها در جریان کار درسی آن‌ها قرار نمی‌گیرند، تاثیرگذار نخواهد بود. از نقش نظارتی خانواده‌ها نمی‌توان گذشت. خیلی از محتوای کتاب درسی صرفاً آموزشی نیست و تربیتی است و خانواده هم باید پیگیری کند. بنابراین نمی‌توان گفت خیلی موفق بوده.

چه بازه زمانی برای درس خواندن دانش‌آموزان ابتدایی در منزل مناسب است؟

همیشه در جلسات به خانواده‌ها می‌گوییم اگر یک دانش‌آموز ابتدایی نرمال باشد و مشکل یادگیری نداشته باشد، در دور اول و دوم بین ۴۵ دقیقه تا ۱ ساعت درس خواندن برای او کافی است. ضمن اینکه در دور اول باید در این مدت درس خواندن، خانواده با حساسیت بیشتری وقت بگذارد. دور دوم بچه مستقل‌تر است و توصیه می‌کنیم خودکار درس بخواند و تکالیفش را انجام دهد مگر اینکه خانواده‌ها بخواهند از کتب غیردرسی هم استفاده کنند. هرچند محتوای کتاب درسی کفایت می‌کند.

یکی از معضلات کتب کمک‌درسی است. دانش‌آموز علاوه بر تکالیف مدرسه باید تمرین این کتاب‌ها را هم در منزل انجام دهد. این کتاب‌ها آیا واقعا تاثیری هم دارند؟

وزارتخانه ابلاغیه‌ای صادر کرده که ورود کتب کمک درسی به مدارس ممنوع است. طرح سوال در ساعت صبح از کتاب کمک درسی هم ممنوع است. حتماً باید سوالات معلم‌ها از کتب درسی مطرح شود. در کلاس‌های فوق برنامه می‌توانند از این کتب استفاده کنند اما در کلاس‌های صبح به هیچ عنوان. این کتاب‌ها جاهایی موثر است مثلا برای آموزش فنون تست‌زنی و مدیریت زمان اما از نظر علمی چیزی به دانش‌آموز اضافه نمی‌شود چون از دو سال گذشته آزمون تیزهوشان دیگر تستی نیست و از محتوای کتب درسی سوال مطرح می‌شود.

به نظر شما ساعت ۷ صبح ساعت مناسبی برای حضور بچه‌ها در مدرسه است؟

در ابتدایی زنگ صبحگاه ساعت هفت و بیست و پنج دقیقه می‌خورد و مراسم صبحگاه هم جزیی از آموزش است. شروع کلاس درس ابتدایی ۷:۴۵ است که تا ساعت دوازده و نیم طول می‌کشد و مدارسی که فوق‌برنامه آن‌ها جزو برنامه درسی‌شان است مثل مدرسه شاهد ساعت یک و نیم تعطیل می‌شوند. تغییر ساعت کلاسی هم دست ما نیست. چند وقت قبل هم صحبت شد که شاید بچه‌های ابتدایی بتوانند کمی دیرتر به مدرسه بیایند. از طرف دیگر مسئله گرما هم مطرح است و اگر که مدارس دیرتر تعطیل شوند هنگام ظهر دانش‌آموزان اذیت می‌شوند. بحث کاری و اداری والدین هم هست. در کل اگر قرار است تغییری اتفاق بیفتد باید از سمت وزارتخانه انجام شود.

تغذیه مناسب چه نقشی در یادگیری دارد؟

بهترین چیزی که الان می‌تواند در دوره مدرسه به دانش‌آموز کمک کند تغذیه سالم است. در تمام جلسات به والدین می‌گوییم که صبحانه مهم‌ترین بخش تغذیه است اما متاسفانه به دلایل مختلف در خانواده‌ها حذف و یا کمرنگ شده. دیر خوابیدن کودکان هم باعث می‌شود که تمایلی به صبحانه نداشته باشند. والدین خوراکی‌هایی در کیف کودک می‌گذارند که مصرف آن ممکن است بعد از زنگ اول باشد و عملا کودک اول صبح نتوانسته تغذیه‌ای دریافت کند. برخی مدارس البته به صورت خودجوش صبحانه به دانش‌آموزان می‌دهند. یک بخشنامه هم مربوط به بوفه‌های مدارس است که اسم آن به «پایگاه تغذیه سالم» تغییر یافته و در آن خوراکی‌های غیرمجاز و مجاز را مشخص کرده‌ایم. در کتاب علوم بچه‌ها خوراکی‌های سالم معرفی شده‌اند. با این حال کودکان تمایل به تنقلات دارند چون ذائقه‌ها تغییر کرده. وقتی کودک از یک سالگی در معرض تنقلات قرار می‌گیرد به آن عادت می‌کند و ذائقه‌اش شکل می‌گیرد. بخشنامه زدیم که بوفه‌ها تنقلات به بچه‌ها عرضه نکنند اما دانش‌آموزان خودشان از منزل تهیه می‌کند و به مدرسه می‌آورند. زیاد هم نمی‌توان به بچه‌های ابتدایی سخت گرفت. با این حال نظارت وجود دارد. اگر والدین آگاه باشند می‌توان مصرف این تنقلات را کاهش داد و این یک بحث فرهنگی است که باید نهادینه شود.

قرار بود طبق بخشنامه از سوی مدارس و معلمان برای والدین کلاس آموزشی برگزار شود اما در بسیاری از مدارس این طرح اجرا نشد.

دو برنامه داریم که مدارس به صورت مداوم اجرا می‌کنند یکی در قالب آموزش خانواده و انجمن اولیا و مربیان است. همه مدارس انجمن تشکیل می‌دهند و برنامه آموزش خانواده دارند. یک بخش دیگر هم مربوط به معلم است که روی محتوای آموزشی کار می‌کند. جلسات ماهانه معلم و والدین بچه‌های کلاس را داریم که در آن به والدین مباحث درسی کودکان و نحوه آموزش آنها توضیح داده می‌شود و در دفاتر ثبت شاخص‌های معلم هم این جلسات ثبت می‌شوند. ملاقات فردی معلم با اولیا را هم داریم که به صورت جداگانه با والدین صحبت می‌شود اما اینکه بخواهیم آموزش همگانی داشته باشیم مقدور نیست. در هر پایه ۶ هزار دانش‌آموز داریم. مدارس را سال گذشته قطب‌بندی کردیم و ۱۰ روز در سال اداره برای آن‌ها جلسه گذاشتیم. این کار زمان‌بر است چون تعداد دانش‌آموزان زیاد است اما مدارس باید حتماً جلسات آموزش خانواده را در طول سال برگزار کنند.

به نظر می‌رسد برخی والدین از سیستم آموزشی انتظارات نامعقولی دارند.

والدین از مدارس گلایه می‌کنند در صورتی که مدرسه به تنهایی نمی‌تواند. دانش‌آموز تعطیلات تابستان و وقت‌های بیکاری را در کنار خانواده می‌گذراند. درست است که معمولا الگوی کودک معلم است ولی اینکه ادعا کنیم مدرسه به تنهایی می‌تواند این‌طور نیست. محتوای کتب درسی بسیار غنی هستند ولی چون هماهنگی بین مدارس و والدین خوب انجام نمی‌شود در خروجی هم تاثیر می‌گذارد. مثلاً معلم در کلاس به بچه می‌گوید کمربند برای حفظ ایمنی شماست ولی پدر خانواده عصر در ماشین می‌گوید کمربند را ببند پلیس جریمه می‌کند. اینجا هدف عوض می‌شود و بچه دچار تعارض می‌شود. از پیش‌دبستانی خیلی موارد فرهنگی را آموزش می‌دهیم ولی عملا نتیجه ای حاصل نمی‌شود چون هماهنگی بین والدین و مدرسه وجود ندارد.

نیاز به بازی یکی از نیازهای اساسی کودکان است، چرا در مدارس به این نیاز و تقویت مهارت‌های اجتماعی توجهی نمی‌شود تا در آینده شاهد کودکان بدون اعتماد بنفس ومنزوی نباشیم.

فضاهای ما به ویژه در دوره ابتدایی طوری نیست که بتوانند اتاق بازی طراحی کنند. اتاق بازی سال گذشته در وزارت خانه کلید خورد ولی برای عمومیت بخشیدن به آن به فضای فیزیکی نیاز است. خیلی از مدارس ابتدایی ما پنج کلاسه بودند که با طرح ۳-۳-۶ شش کلاسه شدند، مجبور شدند فضاهای قابل استفاده را به کلاس درس تبدیل کنند. اهمیت بازی برای ما مطرح است اما فضای مناسب نداریم. معلم های ابتدایی بازی های دبستانی را دوره دیده اند ولی بدون فضا نمی‌توان کاری کرد. تنها زنگی که بچه ها دوست دارند زنگ ورزش است چون از قالب رسمی مدرسه بیرون می‌آیند. متاسفانه در دوره ابتدایی زنگ تربیت بدنی امسال حذف شد و آن را بر عهده معلم کلاس گذاشته‌اند. ما در ابتدایی قرار نیست ورزش حرفه‌ای را آموزش دهیم ولی حداقل باید اصولی باشد و معلم کلاس ممکن است نتواند آنطور که باید از عهده آن بربیاید. همچنین مشاوره نیاز دوره ابتدایی است که در این مقطع لحاظ نشده. اگر کودک مشکل رفتاری داشته باشد و نتوانیم در ابتدایی آن را رفع کنیم این مشکل سال‌های سال با او خواهد بود و بقیه را هم دچار مشکل خواهد کرد. یک کاری مدارس دارند انجام می‌دهند تحت عنوان فعالیت‌های هدفمند زنگ تفریح که زنگ تفریح را با بازی و ورزش هدفمند کنند. باز هم بهتر از این است که هیچ اقدامی انجام نشود. مدارس ابتدایی یک مشکل دیگر هم دارند که حیاط مدارس آسفالت است و امکان بازی و فعالیت بدنی کودک را محدود می‌کند و ممکن است این آسفالت آسیب جسمانی به کودک بزند و حفظ ایمنی کودک از همه چیز مهمتر است.

آیا برنامه‌ای برای تقویت مهارت‌های اجتماعی دارید؟

در درس مطالعات، تفکر و سواد رسانه‌ای به این مقوله پرداخته شده و برخی مهارت‌ها در قالب مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان یاد داده می شود. دوره‌هایی هم برای معلم‌ها در بحث آموزش مهارت‌های ده گانه زندگی گذاشته شده که معلم آن‌ها را فرا بگیرد و بتواند به بچه ها منتقل کند. این مهارت‌ها را باید به بچه‌ها در قالب داستان آموزش داد. مثلا مهارت «نه» گفتن چیزی نیست که به صورت تئوری بتوان به بچه ابتدایی آموزش داد. یکسری اقدامات انجام شده ولی کامل نیست. محتوای کتاب زیاد است و پیاده کردن آن‌ها در قالب مباحث درسی زمان می برد. خانواده‌ها از ما به عنوان آموزش و پرورش انتظار دارند سر فصل‌های دروس تدریس شود و به مهارت‌های جنبی کاری ندارند. در حالی که اجتماعی شدن کودک جزو اهداف دوره ابتدایی است.

رویکرد کتاب‌های جدید «دانش‌آموز محور» است. اینکه تفکر پرسشگری در کلاس اجرا شود، اما با اینحال کمتر شاهد کودکان پرسشگر هستیم؟

طراحی محتوای کتب درسی خوب است. مثلاً رویکرد کتاب ریاضی ابتدایی حل مسئله است منتها این که این مباحث درست نتوانسته اجرا شود اول به دلیل تراکم زیاد دانش‌آموز در کلاس است در حالی که استاندارد این کتاب برای کلاس ۲۵ نفره است. وقتی کلاس شلوغ باشد زمانی که باید به پرسش و پاسخ اختصاص داده شود گرفته می‌شود. مشکل دیگر هم اینکه درست است هدف کتاب درسی پرسشگری است اما هنوز نتوانسته‌ایم روش تدریس را منطبق کنیم با محتوای آموزشی و روش‌های تدریس ما هنوز سنتی است. به همین دلیل محتوا عوض شده ولی روش تدریس و نگرش ما، هم از طرف معلم و هم از طرف خانواده هنوز سنتی باقی مانده. مثلا دانش‌آموز برگه سوالات علوم خود را به منزل می‌برد و والدین به سرعت پاسخ می‌دهند و اجازه نمی‌دهند کودک سوال بپرسد. اگر تکالیف ما از این شکل سنتی خارج شوند مطمئناً پرسشگری هم در آن‌ها پررنگ می‌شود.

سال‌هاست طرح ارزشیابی توصیفی دارد اجرا می‌شود. به نظرتان طرح موفقی بوده؟ چون هنوز هم شاهد آن نگاه مقایسه‌ای هستیم؟

ارزشیابی توصیفی در خیلی از کشورها اجرا شده و موفق هم بوده. ساختار طراحی و علمی آن خوب است اما در مرحله اجرا چند مشکل داریم. اول اینکه ذهنیت والدین هنوز روی نمره است چون نمره ملموس و عینی است. کودک ۲۰ که می گیرد می گویند هیچ اشتباهی نداشته در صورتی که هیچ‌پیستی به معنای بدون اشتباه بودن نیست. مورد دیگر اینکه مفهوم مقیاس‌هایی که در ارزشیابی توصیفی آورده شده‌اند برای برخی والدین جا نیفتاده. مثلا یکی از والدین می گوید بچه من هیچ غلطی نداشته و «خیلی خوب» گرفته بچه خواهرم هم که دو تا غلط داشت «خیلی خوب» گرفته چرا مثل هم هستند؟ اگر نمره بود تفاوت را احساس می کردند. برخی والدین آگاه نیستند که بازخورد معلم در اینجا از همه چیز مهمتر است که پایین برگه کودک نوشته می‌شود. هدف ارزشیابی توصیفی کاهش استرس و رقابت ناصحیح در نمره است. عملکرد کودک بر اساس این ارزشیابی در طول سال تحصیلی سنجیده می‌شود نه صرفاً بر مبنای امتحان پایان ترم. فرم عملکرد تحصیلی الف را داریم که عملکرد دانش‌آموز را توصیف می کند. والدین اگر به این فرم و بازخورد معلم در برگه دانش‌آموز دقت می کردند متوجه عملکرد کودک خود می‌شدند. والدین فکر می کنند در ارزشیابی توصیفی همه بچه‌ها قبول می‌شوند در حالی که ما امسال چند دانش‌آموز مردود هم داشتیم. بچه‌ها پوشه کار دارند و والدین باید از معلم گزارش مستند بخواهند. این موارد اگر اجرایی شود طرح خوبی است.

چه توصیه‌ای در ابتدای سال تحصیلی به والدین دارید؟

کودکان ابتدایی نرمال باید بازی کنند، تلویزیون ببینند، مهمانی شرکت کنند و نباید توسط والدین محدود شوند. در دوره ابتدایی نیاز به سخت‌گیری زیاد نیست. بچه‌ها همینطوری تحت فشار هستند اگر سختی زیاد شود دلزدگی بیشتر می شود. بهترین کاری که والدین می‌توانند برای بچه‌های ابتدایی انجام دهند تقویت ارتباط عاطفی خود با کودک است. سرگرمی‌هایی برای آن‌ها فراهم کنند و در قالب این سرگرمی‌ها درس را به کودکشان یاد بدهند. این طوری ارتباط عاطفی آنها قوی می‌شود و کودک به جای اینکه والدین را در مقابل خود ببیند آنها را در کنار خود می‌بیند و کودک با استفاده از بازی می‌تواند مباحث درسی را هم آموزش ببیند. متاسفانه والدین یا با تمرین و یا با رشوه دادن می خواهند کودک درس بخواند که این به رابطه عاطفی آن‌ها لطمه می‌زند.

نیم نگاه

وزارتخانه ابلاغیه‌ای صادر کرده که ورود کتب کمک درسی به مدارس ممنوع است. طرح سوال در ساعت صبح از کتاب کمک درسی هم ممنوع است.